

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۶ _ معنای ظن _ احتمال سوم _
و جوه سه گانه سببیت ظن برای خشوع _ حق در معنای ظن
تاریخ: ۲۵ بهمن ۱۴۰۰
مصادف با: ۱۲ رجب ۱۴۴۳
جلسه: ۴۶

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در آیه ۴۶ که در حقیقت به توصیف خاشعین پرداخته، اولین یا برجسته ترین وصفی که برای آن‌ها ذکر می‌کند، این است که آن‌ها ظنّ به ملاقات ربّ و ظنّ به رجوع به سوی او دارند. ابتدا باید معنای ظنّ معلوم شود. عرض کردیم در مورد ظنّ چندین احتمال وجود دارد که ظنّ به ملاقات ربّ یا ظنّ به رجوع به سوی پروردگار اساساً یعنی چه. این از حیث خود ظنّ است. اصلاً این ظنّ در اینجا به چه معناست و بر اساس آن ببینیم آیا ظنّ می‌تواند برای خاشعین یک وصف باشد؟ چطور ظنّ می‌خواهد به عنوان یک عامل برای خشوع تلقی شود؟

به دنبال آن مسئله ملاقات ربّ یا رجوع به سوی ربّ به چه معناست، یعنی متعلق این ظنّ بعد از آنکه معنای ظنّ معلوم شد، ما یک بحث نسبتاً مبسوطی درباره متعلق این ظنّ خواهیم داشت.

و باز اینکه آیا در مورد هر دو یعنی ملاقات ربّ و رجوع به سوی او مسئله ظنّ مطرح است و ظنّ در هر دو به یک معناست، یا معنای مختلفی دارد؟ البته با توجه به احتمالاتی که برای ظنّ ذکر کردیم. بالاخره «يظنون» بر سر جمله بعد هم می‌آید، «الَّذِينَ يظنون أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ راجعون». این هم یک مسئله است که آیا «يظنون» در هر دو جمله به یک معناست یا می‌تواند در اولی به یک معنا باشد و در دومی به معنای دیگر. این‌ها بحث‌هایی است که ما اینجا در ادامه مطرح خواهیم کرد. فعلاً در خود معنای ظنّ بحث داریم.

گفتیم اینجا چند احتمال در مورد ظنّ متصور است. دو احتمال را گفتیم:

یکی اینکه ظنّ به معنای علم و یقین باشد.

دیگر اینکه ظنّ به معنای رجاء و امید باشد.

احتمال سوم (ظنّ به معنای حقیقی)

سومین احتمال در مورد ظنّ این است که به همان معنای حقیقی خودش باشد، یعنی گمان، یا ظنّ به معنای احتمال راجح در مقابل علم و یقین و وهم و شک. آنگاه معنای آیه این می‌شود که آن‌هایی که ظنّ و گمان به ملاقات ربّ دارند و ظنّ و گمان به رجوع و بازگشت به سوی پروردگار دارند، خاشعین اند؟ ولی آیا می‌توان گفت کسی که گمان به ملاقات ربّ

دارد، ظنّ به بازگشت به سوی پروردگار دارد، او خاشعی خواهد بود که خشوع او باعث می‌شود نماز دیگر برای او ثقیل نباشد؟

وجه سه گانه سببیت ظن برای خشوع

چند وجه می‌شود برای اینکه ظنّ به همان معنای حقیقی خودش باشد اما در عین حال موجب خشوع هم بشود ذکر کرد. وجه اول

یک وجه این است که بگوییم ملاقات ربّ کنایه از موت است. یا به تعبیر دیگر از ملاقات الربّ موت اراده شده است. چون نسبت بین موت و ملاقات پروردگار، نسبت سبب و مسبب است و اینجا خداوند تبارک و تعالی مسبب را ذکر کرده ولی اراده سبب نموده است. اینکه میگوید: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ»، یعنی يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ يَمُوتُونَ؛ ظنّ به موت و مرگ منظور است. پس ملاقات ربّ یک معنای مجازی دارد، نه معنای حقیقی. منظور لقاء پروردگار نیست، از لقاء پروردگار، موت اراده شده است. یعنی گمان دارند که بمیرند و کسی که ظنّ به موت در هر لحظه ای داشته باشد، نمی‌تواند در قلبش حالت خشوع نباشد. کسی که میداند هر لحظه ممکن است مرگ به سراغ او بیاید، طبیعتاً اهل تسلیم و خشوع در برابر پروردگار می‌شود و لذا مراقب است چون خوف موت دارد، هم مواظب است که معصیت نکند و هم نسبت به معاصی گذشته سعی می‌کند توبه کند.

پس این یک وجه است که اگر ظنّ به معنای حقیقی باشد و ملاقات را هم کنایه از موت بدانیم، می‌تواند یک عاملی باشد برای خشوع قلبی و واقعا باعث خشوع شخص بشود و طبیعتاً اگر خشوع در او پیدا شد، دیگر نماز هم بر او ثقیل نیست. البته در مورد ملاقات بعداً بحث می‌کنیم که اصلاً ملاقات الربّ به چه معناست؟ آیا اینجا لقاء به معنای مجازی منظور است یا در خود این لقاء چندین احتمال وجود دارد که این را بعداً در ادامه ذکر خواهیم کرد.

وجه دوم

وجه دوم اینکه ما ظنّ را به معنای حقیقی خود بدانیم، اما بگوییم منظور از ملاقات الربّ، ملاقات ثواب الربّ است نه خود ربّ. یعنی این‌ها احتمال راجح می‌دهند که پاداش‌های پروردگار را ملاقات کنند. یعنی پاداش خدا به آن‌ها برسد و چون یقین به آن پاداش‌ها ندارند، کأن در یک حالت خوفی به سر می‌برند و آن خشوع خود را از دست نمی‌دهند. آن‌هایی که ظنّ به بهره‌مندی از پاداش پروردگار دارند، قهراً خشوع قلبی با آن‌ها خواهد بود. پس این هم می‌تواند به عنوان یک وصف برای خاشعین ذکر شود. بالاخره این‌ها با اینکه ظنّ و گمان دارند که پاداش پروردگار نصیب آن‌ها می‌شود، اما باز هم نگران‌اند و احتمال می‌دهند این پاداش به آن‌ها نرسد و همین باعث می‌شود که این حالت خشوع در آن‌ها ایجاد شود.

وجه سوم

وجه سوم این است که منظور از ملاقات ربّ یعنی ملاقات الربّ مع ذنوبهم. در حالی پروردگار را ملاقات کنند که با گناهانشان به دیدار خدا میروند و کسی که چنین ظنّی دارد، همواره در قلبش خشوع را حفظ می‌کند. کسی که نسبت به حال خودش نگران است، چون ظنّ به این دارد که خدا را در حالی ملاقات کند که باری از گناه بر دوش او باشد، خودش موجب این است که در قلب او خشوع ایجاد شود و مراقب است معصیت نکند و سعی می‌کند نسبت به اعمال و کارهای گذشته توبه و بازگشت داشته باشد. پس این معنا هم می‌تواند خشوع را ایجاد کند.

حق در معنای ظن

این‌ها وجوهی است که در این رابطه گفته شده، اما این مبتنی بر این است که ببینیم ملاقات ربّ به چه معنا است. صرف نظر از اینکه آنچه که در این سه وجه بیان شده برای ملاقات درست است یا خیر و آیا می‌توانیم به یکی از این معانی که برای ملاقات گفته شده ملتزم شویم یا خیر، (که مطلبی است که باید در بحث بعدی آن را تعقیب کنیم) بحث در خود معنای ظنّ است. بالاخره ما سه احتمال در مورد معنای ظنّ گفتیم:

۱. ظنّ به معنای علم و یقین و گفتیم که این هم شواهد قرآنی دارد و هم استعمال شده و امری خلاف قاعده نیست.

۲. ظنّ به معنای رجاء هم محتمل است و این هم شواهدی دارد.

۳. ظنّ به معنای حقیقی که قاعدتا لفظ را تا مادامی که قرینه بر خلافش نباشد، باید بر همان معنای حقیقی خود حمل کرد.

حال از بین این سه احتمال، کدام یک از این احتمالات أرجح و أقوى است؟

با اینکه احتمال دوم و سوم هم غلط نیست و اگر این دو معنا هم مراد باشد قابل توجیه است به همان بیانی که عرض شد.

اما مجموعاً به نظر می‌رسد که احتمال اول یعنی ظنّ به معنای یقین شاید از دو احتمال دیگر اولی باشد. چون:

شواهد قرآنی که دارد و مهمتر اینکه ما نمی‌توانیم بین یقین به عنوان یک صفت قائم به نفس انسان مؤمن و بین خشوع تفکیک کنیم. یقین به ملاقات ربّ و یقین به بازگشت به سوی او، از اموری است که خواه یا ناخواه انسان را اهل خشوع می‌کند. مخصوصاً چیزی که این امر را تقویت می‌کند، این است که رجوع به خداوند تبارک و تعالی یعنی مسئله معاد و قیامت، یکی از اصول اعتقادی است که مسلمانان باید به آن یقین داشته باشند. آنچه که به عنوان یک باور برای انسان مسلمان لازم است بعد از توحید، معاد است. او باید به توحید معتقد و به بازگشت به سوی خدا و معاد و قیامت باور داشته باشد. مسئله یقین به معاد از ارکان ایمان و اعتقاد دینی است. پس یظنون در رابطه با ملاقات الربّ اولی است که به معنای یقین باشد؛ چون

اولاً: آنچه موجب خشوع است یقین است و اگر ما بخواهیم آن را بر معانی دیگر حمل کنیم، بالاخره نیازمند توجیه و تکلف است.

ثانیا: مسئله رجوع به سوی پروردگار امری است که به عنوان یک اصل اعتقادی لازم است یقینی باشد. و چیزی که این احتمال را تقویت می‌کند روایتی است که در تفسیر صافی نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) میفرماید: یوقنون أنهم یبعثون و الظن منهم یقین، آن‌ها یقین دارند که مبعوث می‌شوند و ظن این‌ها هم یقین است. این‌ها کسانی هستند که ظنشان هم مانند یقین است.

بله، ممکن است افرادی باشند که یقینشان هم مانند ظن نباشد، اما بعضی هستند که ظنشان هم مانند یقین است. برای همین است که امیرالمؤمنین در مورد آن‌ها میفرماید این‌ها یقین دارند که مبعوث می‌شوند. عرض کردم، چه بسا ظن داشته باشند، اما این واژه در مورد آن‌ها بکار می‌رود.

اما اینکه چرا تعبیر «یظنون» بکار برده شده و نگفته یوقنون یا یعلمون و یا یتیقنون و این الفاظ را به همان معنای خودش نیاورده، عرض کردم می‌تواند وجوهی برایش ذکر شود. برخی از این وجوه ممکن است استحسانی باشد و برخی هم ممکن است ریشه یقینی داشته باشد. بالاخره یقین به معنای علم که قطعیت داشته باشد، چه بسا برای نوع انسان‌ها حاصل نمی‌شود و اگر هم حاصل شود، بالاخره در برابر علم خدا و یقین خداوند تبارک و تعالی چیزی بیشتر از حدس و گمان محسوب نمی‌شود.

به هر حال از بین این سه احتمال به نظر می‌رسد که معنای اول اولی باشد.

سوال:

استاد: این از مرجحات آن احتمال محسوب می‌شود، یعنی همین که انسان ظن و گمان به مرگ و قیامت پیدا کند، کأن کفایت می‌کند برای اینکه انسان خاشع باشد. این احتمال هم داده می‌شود. به تعبیر متعارف، اینکه احتمال هم ضعیف باشد، چون محتمل قوی است، خود به خود آن اثر بازدارندگی را دارد. اما باز اینجا کأن پای یقین در میان است. چه یقینی؟ یقین به ترتب آن آثار و دردناکی آن آثار، یعنی یقین به اثرات سوء و تلخ آن. مانند کسی که احتمال می‌دهد این را بخورد مسموم می‌شود، اما یقین دارد که سم او را می‌کشد. نسبت به اینکه این اثر را داشته باشد، ظن دارد، یعنی ظن دارد به اینکه اگر این دارو را بخورد او را می‌کشد، اصلاً وهم دارد؛ ولی خودش به این جهت که محتمل برای او قوی است، یقینی برایش ایجاد می‌کند که سبب بازدارندگی می‌شود. از آن باب هم باز ظن نیست و به یک معنا یقین محسوب می‌شود. اینکه معنای لقاء الربّ چیست را انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۱۱.